

## حقوق اسرای جنگی از منظر فقه امامیه و حقوق بین الملل

محمد مهدی برغی<sup>۱</sup>، محمدرضا مرشدلو<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶

### چکیده:

یکی از موضوعاتی که در دهه‌های اخیر مورد توجه ویژه نهادهای حقوق بشری قرار گرفته است، مسأله‌ی حقوق اسرای جنگی می‌باشد. مجامع حقوقی بین‌المللی از طریق وضع و تصویب کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹، گامی مهم در جهت حمایت از اسیران جنگی برداشته‌اند. در عین حال مسأله‌ی حقوق اسرای جنگی در قوانین فقهی اسلام و از جمله در متون شیعی نیز چه به صورت عام و چه به صورت خاص مورد توجه ویژه قرار گرفته است. پژوهش حاضر که به روش تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته، به این پرسش می‌پردازد که مفهوم جنگ و اسیر جنگی در حقوق بین‌الملل و فقه امامیه چیست و این دو مکتب فکری در رابطه با حقوق اسرای جنگی چه وجوه اشتراک و افتراقی دارند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گرچه اسناد بین‌المللی و فقه امامیه در رابطه با مفهوم جنگ و اسیر جنگی با یکدیگر مشابهت‌های زیادی دارند، اما در رابطه با حقوق ناظر بر اسرای جنگی بین این دو مکتب تفاوت‌هایی وجود دارد که از جمله‌ی این تفاوت‌ها می‌توان به معیارهای تعیین پایان زمان اسارت و امکان به بردگی گرفتن اسرای جنگی اشاره کرد.

**واژگان اصلی:** اسیر جنگی، حقوق بین‌الملل، فقه امامیه، جنگ.

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)

barghi@meybod.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد، گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه میبد، میبد، ایران

## مقدمه

از میان پدیده‌های اجتماعی، جنگ یا به عبارت دیگر «برخورد مسلحانه» از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا مال، جان، امنیت و آزادی تن افراد را مورد حمله قرار می‌دهد. صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل بر این باورند که می‌توان جنگ را همانند سایر پدیده‌های اجتماعی، در پرتوی تعالیم علم حقوق مورد بررسی قرار داد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۶: ۲۱) در میان مسائل مرتبط با جنگ، یکی از موضوعاتی که در آغاز هزاره‌ی سوم دل‌نگرانی‌های سیاسیون، دکترین حقوق و کارگزاران عدالت کیفری بین‌المللی را برانگیخته است، مسئله‌ی حقوق اسرای جنگی می‌باشد. مقصود از اسارت در جنگ، گرفتار یا محصور شدن در قدرت دشمن است. اسارت به‌عنوان یکی از برآمدهای جنگ، رخدادی است که دگرگونی‌های درخور توجه روانی-اجتماعی و جسمانی را برای فرد رقم می‌زند. با این وصف، مهم‌ترین مؤلفه‌ای که موقعیت مناسبی را برای نشو و نمای رفتارهای مجرمانه علیه اسیر جنگی فراهم می‌آورد، محدود شدن اختیارات و سلب آزادی اوست. توضیح آنکه، شرایط ویژه و محدودکننده‌ای بر وی اعمال می‌شود که این سیطره و سلب آزادی، همواره فرد را تحت تأثیر یک موقعیت به‌شدت آسیب‌پذیر قرار می‌دهد و موجب می‌شود که او در معرض رفتارهای موهن، شکنجه و سایر اعمال غیرانسانی قرار گیرد. (بیگ زاده و میرزاده، ۱۳۹۴: ۶۳)

شناخت و زشتی رفتارهای ددمشانه و مجرمانه‌ای که با این دسته از قربانیان جنگ‌ها صورت پذیرفت، موجب تهییج نهادهای حقوقی بین‌المللی، کارگزاران مجامع بشردوستانه، دولت‌ها و دانشوران حقوق به تمهید و تسجیل مقابله‌نامه‌ها، برگزاری کنفرانس و اقدامات دیگر گردید تا بدین‌وسیله بتوانند تا حد ممکن از طعم تلخی اسارت و شدت آلام وارده بر اسیران جنگی بکاهند. فرایند تفکرات اصلاحی و حمایتی از اسیران در طول زمان مستمر بوده و در هر برهه‌ای از زمان متجانس با موقعیت و شرایط نمود خاص خود را داشته است؛ بدین نحو که این تلاش‌ها در سده‌های گذشته ابتدا موجب پیدایش یک دسته قواعد عرفی و سپس تدوین کنوانسیون‌هایی در جهت حمایت از اسیران جنگی گردید که در این میان، کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ و بعضی از مواد دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون مزبور، به موضوع حمایت از حقوق اسرای جنگی می‌پردازند.

1- Armed conflict

2- The Third Geneva Convention of Relative to the Treatment of Prisoners of War

قیح اعمال سبعانه نسبت به قربانیان جنگ و به‌ویژه زندانیان جنگی، علاوه بر جلب توجه قانون‌گذاران جوامع، موجب توجه شارع مقدس به آن شده است. از آن جا که ادیان الهی همواره، کارگزار زندگی انسان در دو بعد فردی و اجتماعی بوده‌اند، اخص از تدابیری که در جهت ترقی و بهبود فضائل فردی آحاد جامعه اندیشیده‌اند، تلاش مجدانه و سعی بلیغی را صرف این مهم داشته‌اند تا با عرضی راهکارهایی، آثار آفات و مصائب کلانی را که در حوزه اجتماعی دامن‌گیر انسان شده است تلطیف سازند.

در این میان مکتب اسلام برای جنگیدن آدابی را مطرح کرده که جنگ را با همی عواقب و نتایج، آن متناهی و محصور در احکام شرعی می‌کند. در واقع علت آنکه شارع مقدس قواعد مربوط به جنگ را طرف توجه قرار داده آن است که جنگ و جهاد از ابتدا، از جمله مسائل مهم و مبتلا به جامعه اسلامی بوده است. لذا در ارتباط با اسیران جنگی و جایگاه حقوقی ایشان، بارقه‌های امید در فرهنگ اسلام به‌عنوان خاستگاه اولیه نگارش قواعد انسان دوستانه‌ی بین‌المللی به چشم می‌خورد. (محقق داماد، ۱۳۷۵: ۱۵۲)

در جامعه‌ی شیعی به مبحث جهاد و مسائل مربوط به آن از جمله حقوق اسیران جنگی توجه ویژه‌ای مبذول شده است. در واقع از آنجا که اعتنا به کرامت انسان‌ها در جنگ، با توجه به آموزه‌های قرآنی همواره از جایگاه خاصی در سنت نبوی و سیره‌ی علوی برخوردار بوده است، مجتهدین فقه امامیه برای تشریح وضعیت حقوقی و چگونگی برخورد با اسیران جنگی، علاوه بر وام گرفتن از آیات قرآن کریم، از سیره‌ی پیامبر (ص) و امام علی (ع) و احادیث ائمه (ع) بهره گرفته‌اند. (احمدی میانجی، ۱۳۷۸: ۳۳۴)

با این توصیف، پژوهش حاضر بر آن است که به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مفهوم جنگ از منظر حقوق بین‌الملل و فقه امامیه چیست و از نظر این دو مکتب فکری، اسیر جنگی به چه کسی گفته می‌شود؟ مهمترین وجوه تشابه و وجوه افتراق حقوق اسرای جنگی در حقوق بین‌الملل و فقه امامیه کدامند؟ در جهت پاسخ به این سؤالات، ابتدا به بررسی مفهوم جنگ در حقوق بین‌الملل و فقه امامیه خواهیم پرداخت. آن گاه شرایط و اقتضائاتی را بررسی خواهیم کرد که برای شناسایی یک شخص به عنوان اسیر جنگی در این دو مکتب پیش‌بینی شده است. سپس به بررسی وجوه اشتراک و افتراق حقوق اسرای جنگی در حقوق بین‌الملل و فقه امامیه می‌پردازیم.

بررسی سوابق و مرور ادبیات این پژوهش نشان می‌دهد که آقای محمد علی حجازی در

کتابی با عنوان «حقوق اسیران جنگی» که در سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات میزان منتشر شده است، به بررسی سیر تحول تاریخی رفتار با اسیران جنگی، حقوق اسیران جنگی در دوره‌ی باستان، قرون وسطی، اسلام و قرون جدید پرداخته است. نویسنده در نهایت به این نتیجه رسیده که قواعد و مقررات ناظر بر حقوق اسیران جنگی، به شکلی بلندپروازانه تدوین شده و با واقعیت قابل تطبیق نمی‌باشد. آقای محمد زرشکی در مقاله‌ی خود با عنوان «حقوق اسیران جنگی در رویکرد پیامبر اسلام (ص): از نظر تا عمل با تاکید بر موازین حقوق بشردوستانه در اسلام» که در سال ۱۴۰۱ در فصلنامه‌ی مطالعات حقوق بشر اسلامی به چاپ رسیده است، به این پرسش پرداخته که حقوق اسیران جنگی در جنگ‌های دوران پیامبر اسلام (ص) چه وضعیتی داشته است؟ ایشان در این مقاله به این نتیجه رسیده است که حقوق اسرای جنگی از قبیل حق بر خوراک، پوشاک، آزادی در انجام کار، آزادی در انجام فرائض دینی و غیره در تئوری و رویکرد پیامبر اسلام (ص) به روشنی تبلور یافته است. همچنین در مقاله‌ای با عنوان «قواعد حقوق جنگ در اندیشه‌ی فقهای شیعه و مقایسه‌ی آن با قوانین حقوق بشردوستانه در عصر حاضر» نوشته‌ی اصغر قائدان و همکاران که در مجله‌ی فقه و مبانی حقوق اسلامی در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است، نگارندگان محدودیت‌ها و مبانی حقوق جنگ را از دیدگاه فقه امامیه و حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که قوانین اسلام در برخی موارد از جمله موضوع برخورد با اسیران در قیاس با مقررات و معاهدات امروزی بین‌المللی پیشرفته‌تر و انسانی‌تر محسوب می‌شوند. چنان که ملاحظه می‌کنیم در پژوهش‌های مذکور در فوق و نیز سایر پژوهش‌های مشابهی که انجام گرفته است، غالباً به موضوع قواعد و مقررات حقوقی ناظر بر جنگ به صورت کلی پرداخته شده است. در مواردی هم که به صورت خاص حقوق اسرای جنگی موضوع پژوهش بوده است، این حقوق به صورت جداگانه یا در اسلام یا در حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته و به صورت خاص مطالعه‌ی تطبیقی حقوق اسرای جنگی در فقه امامیه و حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار نگرفته است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته خواهد شد.

## ۱. مفهوم‌شناسی جنگ

### ۱-۱. جنگ از منظر حقوق بین‌الملل

برخی از دکتین حقوق بین‌الملل بر این باورند که جنگ مجموعه‌ی عملیات و اقدامات

قهرآمیز مسلحانه‌ای است که در چهارچوب مناسبات کشورها با یکدیگر روی می‌دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آن‌ها با یکدیگر و همچنین با کشورهای ثالث می‌شود. در جنگ، حداقل یکی از طرفین مخاصمه درصدد تحمیل اراده‌ی خویش به دیگری است. البته در حقوق بین‌الملل معیار مشخصی در این رابطه که عملیات قهرآمیز مسلحانه باید در چه سطحی باشد تا جنگ تلقی شود وجود ندارد ولی می‌توان چنین گفت که جنگ زمانی آغاز می‌گردد که توسل مؤثر و واقعی به اسلحه صورت گرفته باشد و پایان قطعی جنگ هنگامی است که قطع عملیات خصمانه با انعقاد معاهده‌ی صلح میان متخاصمان برقرار شود. (امامی و شوپای جویباری، ۱۳۹۵: ۲۱۰-۲۰۹)

برخی دیگر از دکترین با استناد به ماده‌ی ۲ هر چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹، مفهوم وسیع‌تری از جنگ را ارائه می‌دهند. توضیح آنکه، بر اساس این ماده، مخاصمه علاوه بر حالت جنگ رسمی، به هرگونه مخاصمه‌ی مسلحانه هم اطلاق می‌شود که بین دو یا چند دولت روی دهد، هرچند یکی از دول وجود حالت جنگ را تصدیق نکند. همچنین به حالتی هم اطلاق می‌گردد که تمام یا قسمتی از خاک یکی از دولت‌ها اشغال شود ولو آنکه این اشغال با هیچ‌گونه مقاومت نظامی مواجه نشده باشد. (پوربافرانی، ۱۳۹۶: ۲۵۰) دکترین حقوقی این حالت را به زمان نه جنگ و نه صلح هم تسری داده‌اند. (ملک محمدی نوری، ۱۳۷۲: ۱۲۰-۹۷؛ کیتی چایساری، ۱۳۸۷: ۱۵۷) زمان نه جنگ و نه صلح به زمانی اطلاق می‌شود که جنگ بین دو یا چند دولت عملاً خاتمه یافته، مثلاً آتش‌بس اعلام شده ولی هنوز معاهده‌ی صلحی بین آن‌ها امضاء نشده است. از لحاظ اعمال مقررات حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی این زمان کماکان در حکم زمان جنگ است. (پوربافرانی، ۱۳۹۶: ۲۵۱)

۱- قوانین بین‌المللی بشردوستانه، به عنوان قانون درگیری‌های مسلحانه و یا قانون جنگ نیز شناخته می‌شود و هدف از آن‌ها اولاً حمایت از غیرنظامیان و افراد نظامی که در جنگ به صورت مستقیم درگیر هستند و ثانیاً محدود نمودن ابزارها و شیوه‌ها و روش‌های جنگی می‌باشد. علاوه بر این، بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی، حقوق بشردوستانه بین‌المللی قابل انطباق با هرگونه درگیری مسلحانه و شرایط ناشی از درگیری‌های مسلحانه می‌باشد. (G. Stewart, 2003: 313)

۲- درعین حال و با توجه به زرادخانه‌ی قوانین کیفری ایران (نه حقوق بین‌الملل) این زمان در حکم زمان صلح است. مطابق ماده‌ی ۱۲۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «جرائمی که پس از اعلام رسمی خاتمه درگیری‌های مستقیم رزمی با دشمن و قبل از امضای قرارداد صلح واقع می‌شود جرم در زمان صلح محسوب می‌شود».

به گفته‌ی آپتهایم جنگ عبارت است از جدال بین دو دولت از طریق قوای نظامی که با هدف توقف و غلبه بر دیگری و اعمال شرایط دلخواه طرف پیروز انجام می‌گیرد. (Lauterpacht, 202-207: 1965) از مجموع آنچه گفته شد هویدا است که گرچه واژه‌ی جنگ دارای بار حقوقی خاصی است اما در مجموع بسیار مشکل و شاید هم غیرمحمتم باشد که بتوان تعریفی آن‌چنان جامع و مانع از آن ارائه داد که تمام مؤلفه‌های لازم در اوضاع و احوال مختلف را در بر گیرد. به همین دلیل بسیاری بر این باورند که هیچ تعریفی از جنگ رضایت‌بخش نیست و وجود حالت جنگ با توجه به شرایط مختلف تعریف خاص خود را می‌طلبد. (R. Baxter, 1960: 1-14)

## ۱-۲. جنگ از منظر فقه امامیه

در فقه شیعه، جهاد غالباً بر دو رکن استوار است؛ جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی. جهاد ابتدایی به معنای جنگ برای تحمیل عقیده نیست، چرا که اسلام به روشنی با هرگونه تحمیل عقیده مخالف است؛ بنابراین جهاد ابتدایی به معنای برداشتن موانع تبلیغ اسلام برای جوامع دیگر است؛ موانعی که حکام ستمگر بر سر راه ترویج اسلام قرار داده و حق شنیدن پیام آسمانی را از مردم خود سلب کرده‌اند. بر این اساس اگر حکمرانان اجازه ورود مبلغان مسلمان به سرزمین‌های خود را بدهند و این حق را از مردم سرزمین خود سلب نکنند انگیزه‌ای برای جهاد ابتدایی نخواهد بود. (امامی و شوپای جویباری، ۱۳۹۵: ۲۱۲) منظور از جهاد دفاعی، جنگ به منظور جلوگیری از شورش داخلی (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ ق: ۲۶۴) یا جنگ به منظور دفع هر خطری نسبت به کشور یا مذهب و جنگ در کنار ملت‌های مظلوم و غیرمسلمان با هدف دفع تجاوز و ظلم از آنان می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۱۱۷-۱۱۶)

گفتنی است که برخی از استادان فن، تقسیم جهاد به جهاد ابتدایی و دفاعی را تقسیم دقیقی نمی‌دانند و بر این باورند که ماهیت جهاد ابتدایی نیز به جهاد دفاعی باز می‌گردد و آن نیز نوعی دفاع از حاکمیت خداوند و حقوق انسانی است. به همین جهت، استاد شهید آیه الله مرتضی مطهری اذعان داشته‌اند: «جهاد دفاع است، جهاد یعنی دفاع». (مطهری، ۱۳۹۳: ۳۹) همچنین آیه الله منتظری بیان داشته‌اند: «گرچه فقهای عظام جهاد را به دو بخش ابتدایی و دفاعی تقسیم کرده‌اند ولی با دقت می‌توان گفت جهاد در هر صورت دفاعی است، یعنی برای پیشگیری از گسترش ظلم و ستم و دفاع از حق در برابر متجاوزان. حوادثی پیش می‌آید که به‌ظاهر جبهه‌ی حق هجومی را آغاز کند ولی حقیقتاً جز دفاع از ارزش‌های انسانی و حقوق انسان‌های تحت ستم نیست». (منتظری،

۱۳۸۵: ۶۱۷۶) با این حال، قریب به اتفاق فقهای شیعه به استناد روایات، جهاد ابتدایی را مشروط به اذن امام معصوم دانسته و آن را در عصر حاضر که زمان غیبت امام است جایز نمی‌دانند. (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۴-۱۱) تعطیل بودن جهاد ابتدایی در عصر حاضر، چنان نزد فقهای شیعه پذیرفته شده است که برخی از آن‌ها در آثار فقهی خود از بیان احکام آن خودداری کرده‌اند. (فیض کاشانی، ۱۴۲۵: ۱۲۲۹)

به هر روی از آنچه گفته شد چنین به دست می‌آید که جنگ یا جهاد در فقه امامیه، برای مصالح عمومی دولت و علیه دشمن خارجی صورت می‌پذیرد و در آن اغراض معنوی نهفته است. به عبارت دیگر، جنگ یا جهاد وضع خاصی از تلاش، یعنی جنگیدن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود در پیکار با کافران و باغیان است که با هدف رشد و اعتلای اسلام و بر پا داشتن شعائر یا دفاع از آن و نیز به منظور تامین امنیت شهروندان که یکی از وظایف اصلی هر حکومت اسلامی است صورت می‌پذیرد. (کوشا و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۱۸)

## ۲. مفهوم شناسی اسیر جنگی

### ۱،۲- اسیر جنگی از منظر حقوق بین‌الملل

اسیر جنگی را در اصطلاح مرادف با افراد دربند و دستگیر در دست دشمن به کار می‌برند. در همین رابطه، راهنمای ارتش دولت آمریکا در میدان نبرد در ماده‌ی ۴۹ اسیر جنگی را چنین تعریف می‌کند: «اسیر جنگی یک دشمن مسلح شده و یا مجهز به سلاح خصومت‌آمیز برای هدف‌های فعال می‌باشد که به اسارت درآمده است، خواه آماده‌ی جنگیدن باشد و خواه مجروح در میدان نبرد باشد و یا در بیمارستان، خود تسلیم شده و یا در تسلیم کلی اسیر گردیده باشد». ماده‌ی ۵۰ همان دستورالعمل علاوه بر دشمن مسلح، افراد دیگری را نیز در زمره‌ی اسیر جنگی قرار داده و می‌گوید: «به علاوه همه‌ی افرادی که با ارتش برای هر هدفی همکاری می‌کنند، نظیر آذوقه

۱- در همین راستا، خانم آنه ماری شیمیل مستشرق و اسلام‌شناس آلمانی می‌گوید: «جنگ مقدس در اسلام وجود ندارد، این کلمه از صلیبیون مسیحی نشأت گرفته است. بسیاری از مسلمانان به من گفته‌اند که هیچ جنگی در اسلام مقدس نیست. جهاد به معنی سعی و نبرد در مسیر نیل به خدا و توسعه‌ی عدالت است، نبرد یعنی مردن در راه خداوند و این شامل حد اعلا‌ی نبرد است تا خیر بتواند در دنیا فرا دست گردد. جهاد به معنی نبرد درونی نیز هست تا خیر بتواند در روان انسان ظفر یابد و بر شر غلبه حاصل شود». (ماری شیمیل، ۱۳۸۵: ۷)

رسان‌ها و غیره که اگر دستگیر شوند اسیر جنگی محسوب خواهند شد». (مسائلی و ارفعی، ۱۳۷۱: ۲۱۶-۲۱۷)

ماده‌ی ۴ کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ افراد زیر را در صورتی که توسط نیروهای طرف مقابل دستگیر شوند، اسیر جنگی به حساب آورده است: «۱- اعضای نیروهای مسلح یکی از متخاصمین و نیز اعضای گروه‌های چریکی یا گروه‌های داوطلب که جزو نیروهای مسلح مذکور می‌باشند؛ ۲- اعضای سایر گروه‌های چریکی و اعضای دیگر دسته‌های داوطلب، به علاوه‌ی نهضت مقاومت متشکل، متعلق به یک دولت متخاصم که در داخل یا خارج خاک خود دست به عملیات زند، هرچند خاک مزبور اشغال شده باشد، مشروط بر این که اولاً، یک نفر رئیس مسئول اعمال آن‌ها باشد. ثانیاً، علامت مشخصه‌ی قابل‌رؤیت از دور داشته باشند، ثالثاً، به‌طور علنی سلاح حمل کنند، رابعاً، در عملیات خود مطابق قوانین و سنت‌های جنگ رفتار نمایند؛ ۳- اعضای نیروهای مسلح منظم که خود را وابسته به دولت یا مقامی معرفی کنند که از طرف دولت دستگیر کننده به رسمیت شناخته شده باشد. ۴- کسانی که جزء نیروهای مسلح نیستند اما به‌طور مستقیم همراه آن‌ها می‌باشند، از قبیل اعضای غیرنظامی، کارکنان هواپیماهای جنگی، خبرنگاران، تهیه‌کنندگان اجناس و اعضای واحدهای کار و خدمات که عهده‌دار آسایش نیروهای مسلح هستند، مشروط بر اینکه از طرف نیروهای مسلح مجاز باشند، به‌شرط داشتن کارت هویت مصدق از طرف آن‌ها طبق نمونه‌ی مقرر شده. ۵- کارکنان نیروهای بحریه‌ی بازرگانی، از جمله فرماندهان و ناخداها و دستیاران و کارکنان هواپیمایی کشوری دولت‌های متخاصم که به‌موجب سایر مقررات حقوق بین‌الملل از رفتار مساعدتری برخوردار نیستند. ۶- اهالی سرزمین‌های اشغال نشده که در موقع نزدیک شدن دشمن بی‌آنکه فرصت تشکیل نیروهای منظم داشته باشند و یا به ضرورت و بدون فوت وقت برای مبارزه با دشمن اسلحه به دست گیرند، به‌شرط رعایت آداب و رسوم جنگ». (جمعیت هلال‌احمر ج.ا، ۱۳۶۹: ۴۴)

پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ در بند ۱ ماده‌ی ۴۳ به جای برشماری گروه‌های مختلف، یک قاعده‌ی واحد ارائه داده است. به‌موجب این قاعده می‌توان اسیر جنگی را به شرح ذیل تعریف کرد: «تمام نیروها، تمام گروه‌ها و تمام واحدهای مسلح و

۱- علت اصلی تأکید بر شروط فوق به وجود آوردن سازوکاری است که بتوان هرچه بهتر بین رزمندگان و غیر رزمندگان قائل به تفکیک شد. (Marie Henkaerts and Beck, 2005: 384)



سازمان یافته‌ای که تحت امر یک فرماندهی مسئول رفتار افراد تحت امر خود می‌باشند و دارای یک رژیم انتظامی داخلی هستند که باعث رعایت قواعد حقوق بین‌الملل مرعی در جنگ می‌گردد، می‌توانند از وضعیت حقوقی اسیر جنگی برخوردار گردند». (روسو، ۱۳۶۹: ۱۰۲)

حاصل سخن اینکه، در حقوق بین‌الملل، مقصود از اسیر کسی است که چه به صورت داوطلبانه و چه به اجبار در میدان جنگ دستگیر شود. علاوه بر این، اسارت دارای مراحل است که از گرفتار شدن شروع می‌شود و پس از آن حبس شدن، محدود شدن، بازگشت به وطن و در نهایت، ادغام دوباره قرار دارد. (Ursano and Rundell, 1995: 433) طبق گفته‌ی ژاک «اسارت به نوعی در راستای طرد عاملیت بوده؛ چرا که اسیران را از تمام مقوله‌های عاملیت در جنگ (دشمن، دوست، بی‌طرف) خارج می‌کند و آنان به موجودیتی نامعین فروکاسته می‌شوند و در شرایط کاملاً نامشخصی قرار می‌گیرند». (Jacques, 2017: 26)

## ۲-۲. اسیر جنگی از منظر فقه امامیه

واژه‌ی اسیر و مشتقات آن در پنج آیه از آیات قرآن کریم آمده است. (احزاب / ۲۶، انسان / ۸، انفال / ۶۷ و ۷۰، بقره / ۸۵) اسر در لغت به معنای بستن، حبس و گرفتار کردن است. مرسوم است که اصطلاح اسیر را در برابر عبارت مزبور به کار می‌برند تا نشان دهند از این جهت اسیر گویند که به دست دشمن گرفتار و دربند شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۶؛ خلیل جُر و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۸۵؛ حجازی، ۱۳۹۴: ۱۰۷) در همین راستا گفته شده است منظور از اسیر فردی است از اهل دارالحرب که گرفتار مسلمین شده است. (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۳۵۷)

به‌طور خلاصه و موافق آراء مشهور فرهیختگان امامیه، می‌توان گفت که تمامی افراد دستگیر شده در جبهه‌ی دشمن که توانایی جنگیدن را داشته و از نیروهای دشمن به شمار می‌آیند، اسیر نامیده می‌شوند. بنابراین همه‌ی حقوق و توصیه‌های مطرح شده در فقه امامیه در مورد آنان لازم الاجرا است، خواه به‌صورت علنی به نفع دشمن فعالیت کرده و یا غیرعلنی به‌صورت منظم و تحت

۱- البته نباید ناگفته گذاشت با اینکه موضوع اسارت با سازمان‌های نظامی، نظامیان و جنگ عجین شده اما و به‌ویژه در شرایط کنونی اسارت اشکال متنوعی پیدا کرده است. علی‌الخصوص با افزایش تروریسم انواع گوناگونی از اسارت و گروگان‌گیری شهروندان غیرنظامی مطرح شده است. در همین رابطه می‌توان از گروه‌های تروریستی داعش نام برد که بیش از نظامیان، با شهروندان درگیر و آن‌ها را هدف اعمال مختلفی از قبیل اسارت، قتل و تجاوز قرار می‌دادند.

فرماندهی فردی معین و یا غیر معین و با علامت مخصوص و یا بدون علامت قابل رؤیت از راه دور به جنگ پرداخته باشند. به علاوه، بین نیروهای نظامی، شبه نظامی، داوطلب، اعضای جنبش‌های آزادی‌بخش و مقاومت مردمی، خدام کشتی‌های تجاری و هواپیماهای کشوری تفاوتی وجود ندارد.

### ۳. اصول مشترک حاکم بر حقوق اسرای جنگی در حقوق بین الملل و فقه امامیه

#### ۱،۳- اصل مصونیت<sup>۱</sup>

بسیاری بر این باورند که باید ریشه‌ی تمامی اقدامات صورت گرفته در راستای بهبود وضعیت شرایط اسیران جنگی را در «اصل مصونیت» جست. چرا که جوهره‌ی وجودی این قواعد از این موضوع وام می‌گیرند که خشونت اعمال شده توسط سرباز رزمنده‌ی دشمن، در حقیقت خشونتی است که در راستای اهداف دولت وی صورت گرفته و اگر مسئولیتی متوجه او باشد متناسب به دولت متبوعش خواهد بود، مشروط بر این که در مغایرت با قوانین و عرف‌های جنگی قدم برنداشته باشد. بنابراین رزمنده‌ای که درگیر جنگ است، هرچند جنگ تجاوزکارانه، هرگز نباید برای این امر مورد عتاب قرار گیرد. (فضائلی، ۱۴۰۰: ۱۱۳) بر همین اساس است که مقررات حقوق بین‌الملل از جمله ماده‌ی ۱۴۹ پروتکل اول الحاقی چنین مقرر داشته‌اند که هیچ‌کس به علت شرکت در جنگ، مصونیت ذاتی خود را از دست نمی‌دهد و تعرض به او تجویز نمی‌شود.

همچنین باید توجه داشته باشیم که به موجب مواد ۳ و ۲۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و مواد ۱ و ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، هر فردی برخوردار از حق حیات، آزادی و امنیت شخصی می‌باشد (ستایش‌پور و هاشمی، ۱۴۰۱: ۱۲) و این حق باید توسط قانون مورد حمایت قرار گرفته و هیچ فردی نباید به هیچ‌عنوان از این حق محروم گردد. بر این اساس اسرای جنگی نیز از حق زندگی و سلامت برخوردارند و به هیچ‌عنوان نباید توسط دیگری آسیب ببیند یا کشته شود.

از سوی دیگر با توجه به تاکید شارع مقدس بر داشتن حق حیات و سلامت و ضرورت حفظ آن (ستایش‌پور و احمدی، ۱۴۰۰: ۱۰۲) و همچنین با مذاقه در اصول و قواعد قابل استنباط از ادله و منابع حقوق اسلام، این گونه به نظر می‌رسد که اصل مصونیت اسیران جنگی مورد پذیرش فقه امامیه بوده است. ادله‌ی فراوانی که نه تنها اجازه‌ی کشتن اسیر را نداده بلکه بر وجوب حفاظت

از اسیر، اطعام وی، رفتار نیکو، احسان نسبت به اسیران و آزادسازی آنان از روی منت و یا در مقابل فدیة وجود دارد، به روشنی بیان‌گر این معنا است که از نظر فقه امامیه اسیر به صرف اسیر بودن مجرم محسوب نمی‌شود؛ چه آن‌که در غیر این صورت، می‌بایست به‌جای توصیه به اعمال رفتار انسانی با اسیران، حکم به محاکمه و مجازات ایشان داده می‌شد. بنابراین، اصل اولی از دیدگاه فقه امامیه نیز مصونیت و امنیت انسان است و آنچه موجبات جنگ و کشتن انسان را فراهم می‌آورد به خاطر ضرری است که از او متوجه دیگران می‌گردد؛ بنابراین، در کشتن دشمن باید به قدر دفع ضرر و در حد ضرورت اکتفا داشت و از کشتن اسرا پرهیز نمود. (فضل‌الله، ۱۴۱۸: ۲۶۱)

قرآن کریم در آیه‌ای به این اصل کلی، یعنی اصل مصونیت تصریح داشته و به مسلمانان فقط اذن جنگ با کسانی را داده که با آن‌ها می‌جنگند. خداوند در آیه‌ی ۱۹۰ سوره‌ی بقره می‌فرماید: ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید؛ ولی از اندازه درنگذرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد). از این آیه، اصل عدم جواز جنگ با غیر جنگجویان از جمله اسرای جنگی به‌روشنی فهمیده می‌شود. پس جایگاه اصل مصونیت به‌وضوح از قرآن قابل استنتاج است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۰) در سیره‌ی پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که پس از نزول آیه‌ی ۱۹۰ سوره‌ی بقره، آن حضرت فقط با آنان که با او پیکار می‌کردند، پیکار کرد و از جنگیدن نسبت به آنان که پیکار نداشتند خودداری کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۷) همچنین حضرت علی (ع) نیز خطاب به یکی از فرماندهان سپاه خود فرمود: «...وَلَا تُقَاتِلَنَّ إِلَّا مَنْ قَاتَلَكَ...» یعنی «...جز با کسی که با تو می‌جنگد، جنگ مکن...». (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۱۲) امام در این سخن، از گروه خاصی نام نمی‌برند بلکه اصلی کلی را بیان می‌کنند که می‌توان از آن اصل مصونیت اسرای جنگی را به‌خوبی استنباط کرد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۳۸۹)

با توجه به مجموعه‌ی این دلایل، عدم جواز مبارزه با افرادی که از پیکار خارج شده‌اند از دیدگاه فقها امری پذیرفته شده است. در همین راستا، برخی از فقها به‌صراحت از این اصل کلی یاد کرده‌اند که فقط کسانی که می‌جنگند کشته می‌شوند. (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ج ۴: ۳۸۴) همچنین برخی از فقها ابراز می‌دارند معیار تعیین دشمن در جهاد، شرکت آنان در جنگ است نه کفر آن‌ها؛ زیرا اصل اولی حرمت خون انسان‌ها است، مگر این‌که دشمنی و ضرری از سوی دیگری مانند شرکت در جنگ متوجه مدافع شود. (فضل‌الله، ۱۴۱۸: ۲۶۲) بنابراین می‌توان گفت،

در مواردی که در سیره مواردی از قتل اسیران جنگی دارد، باید حمل بر جهات خاصی گردیده و استثناء تلقی گردد.

### ۲،۳- اصل رفتار انسانی<sup>۱</sup>

اصل «رفتار انسانی» که اصلی تعیین‌کننده در ارتباط با وضعیت و چگونگی رفتار با اسیران می‌باشد، از نتایج قبول «شرط مارتنس» می‌باشد. شرط مارتنس در مقدمه‌ی کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه، ماده‌ی ۲۳ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه، ماده‌ی ۳۸ پروتکل اول و ماده‌ی ۷ پروتکل دوم ۱۹۷۷ مورد تأکید قرار گرفته و خلاصه‌ی این شرط آن است که در مسیر انسان‌دوستی و کاهش درد و رنج غیرضروری برای انسان‌ها، می‌توان به حکم وجدان عمومی و اصول انسانیت توجه کرد و منتظر تصویب قاعده و موافقت‌نامه برای آن نماند. (امامی و شوپای جویباری، ۱۳۹۵: ۱۱۴) بر این اساس اگر یک اقدام جنگی از طریق موافقت‌نامه‌های بین‌المللی یا حقوق عرفی منع نشده باشد، این به آن معنا نیست که آن اقدام لزوماً موجه است، بلکه غیرنظامیان و رزمندگان تحت حمایت اصولی قرار خواهند گرفت که منشعب از «عرف‌های مسلم ملت‌های متمدن»، «قوانین انسانی» و «وجدان عمومی» می‌باشند.

حال با توجه به مطالب فوق‌الذکر می‌توان گفت اصل رفتار انسانی که پرتویی از مفهوم اخلاق در حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی می‌باشد، در تعیین حداقل استانداردهای رفتاری با اسیران جنگی، علی‌الخصوص نسبت به شرایطی که مشمول مقررات معاهداتی و عرفی قرار نمی‌گیرند، ایفای نقش می‌کند. (Melzer, 2016: 18) در این چهارچوب، ماده‌ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو ۱۹۴۹، با سرمشق قرار دادن اصل رفتار انسانی، انجام بعضی اعمال ضد انسانی را در مورد افرادی که به هر دلیل مشارکت فعلی در جنگ ندارند از جمله نیروهای رزمنده‌ای که اسیر گشته‌اند ممنوع دانسته است. نمونه‌هایی از این اعمال ممنوعه عبارت‌اند از لطمه به حیات و تمامیت جسمانی؛ لطمه به شخصیت و تمامیت معنوی؛ محکومیت و اعدام بدون تشکیل دادگاه‌های قانونی و مستقل و خودداری کردن از معالجه و مراقبت‌های پزشکی. همچنین ماده‌ی ۴ مقررات منضم به کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷، با اذعان بر این که اسیران جنگی در اختیار دولت‌های متخاصم هستند و نه اشخاص یا گروه‌های دستگیرکننده، اشعار داشته «باید با آن‌ها رفتاری انسان‌دوستانه داشت» ماده‌ی ۱۳ کنوانسیون سوم ژنو نیز که مختص به این اصل

1- The Principle of Human Treatment

می‌باشد در این باره بیان می‌دارد: «با اسیران جنگی باید در هر زمان به نحو انسانی رفتار شود». ممنوعیت رفتار برخلاف شئون انسانیت، مورد پذیرش مذهب امامیه نیز بوده (کتابی و ایزدی اودلو، ۱۴۰۰: ۴۵) و ضرورت رفتار انسانی با دشمن و اسرای جنگی از قواعد مسلم فقه امامیه می‌باشد. تأکید بر اصل رفتار انسانی توسط پیامبر (ص) و پایبندی ایشان و مسلمانان صدر اسلام به آن، نموده‌های فراوانی در جنگ‌های صدر اسلام داشته است. حق برخورداری اسیر از آب و غذا، ممنوعیت تبعیض‌های ناروا، لزوم برخورد نیک و ملاحظت‌آمیز با اسیران و موارد مشابه، نتیجه‌ی توجه به اصل رفتار انسانی در آموزه‌های اسلامی و فقه امامیه است. از همین رهگذر، امام علی (ع) به فرزندش ابوحنیفه سفارش فرمود که: «ای فرزندم با اسیرت مهربانی کن و بر او رحم آور و به نیکویی رفتار کن». (احمدی میانجی، ۱۳۷۸: ۳۰۴) پایبندی امام علی (ع) به این اصل چنان بود که در صفین معاویه ناچار گردید به واسطه‌ی برخورد انسانی امام با اسیران اهل شام، اسرای کوفی را آزاد نماید. (قائدان، ۱۳۹۲: ۱۳۰؛ فضائلی، ۱۴۰۰: ۱۲۳)

#### ۴. وجوه افتراق ناظر بر حقوق اسرای جنگی در حقوق بین‌الملل و فقه امامیه

##### ۴-۱. نحوه‌ی پایان اسارت

از جمله مباحث مرتبط با اسیران جنگی، مسئله‌ی پایان اسارت و تعیین تکلیف سرنوشت اسیران جنگی است که دارای اهمیت خاصی می‌باشد. از نظر کنوانسیون سوم ژنو اسارت در دو حالت خاتمه می‌یابد: نخست زمانی که اسیر به صورت موفقیت‌آمیز اقدام به فرار نماید (ماده‌ی ۹۱ کنوانسیون سوم ژنو) و دوم زمانی که اسیر آزاد شود (مواد ۱۰۹ تا ۱۱۹ کنوانسیون سوم ژنو). در رابطه با فرار از اسارت باید توجه داشته باشیم که مطابق پاراگراف ۱ ماده‌ی ۹۱ کنوانسیون سوم، فرار اسیران جنگی زمانی موفقیت‌آمیز تلقی می‌گردد که «۱- به نیروهای مسلح یا متحد بپیوندد؛ ۲- به سرزمین بی‌طرف وارد شود یا به نحوی دیگر سرزمینی را که تحت کنترل دشمن است، ترک نماید؛ ۳- به یک کشتی در آب‌های داخلی که تحت کنترل قدرت اسیر کننده نیست بپیوندد». در رابطه با آزادسازی نیز باید توجه داشت که اسیران جنگی به موجب ماده‌ی ۱۸۸ کنوانسیون ژنو می‌بایست بلافاصله و بدون تأخیر، پس از پایان مخاصمات، آزاد و به میهن خویش بازگردند. از عبارت «بدون تأخیر» چنین استنباط می‌شود که اسیران باید به محض پایان درگیری آزاد شوند و این امر منوط به مذاکرات صلح یا موافقت‌نامه‌ی رسمی آتش‌بس نخواهد بود.

همچنین تعهد به آزادسازی اسرای جنگی به رفتار متقابل دولت متخاصم وابسته نیست. هرچند رویه‌ی عملی دولت‌های درگیر در جنگ آن است که آزاد کردن اسرا را منوط به عمل متقابل می‌دانند. (فلک، ۱۳۹۱: ۴۸۵؛ موسوی و فامیل زوار جلالی، ۱۳۹۵: ۷۷۳)

در رابطه با چگونگی پایان اسارت در فقه امامیه باید توجه داشته باشیم که اسیران جنگی از دیدگاه فقهای امامیه به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ گروه اول زنان و کودکان هستند که در اصطلاح به آنان «سبی» گفته می‌شود. گروه دوم عبارتند از مردان جنگجو و پیکارگر که اصطلاحاً به ایشان اسیر می‌گویند. البته در قرآن کریم اسیر به هر دو معنی استعمال شده است. در سوره‌ی احزاب آیه- ۲۶ ﴿...فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا﴾ مراد از ﴿تَأْسِرُونَ فَرِيقًا﴾ زنان و کودکان است و در آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی انفال ﴿مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى...﴾ مقصود مردان اسیر است. (میر شریفی، ۱۳۹۵: ۲۰۲) گروه اول به اتفاق فقهای شیعه خوششان محترم است و هیچ‌یک از آنان را نمی‌توان کشت. (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۳۱۷؛ علامه حلی، ۱۳۷۲ ق: ۵۲؛ شهید اول، ۱۴۰۳: ۴۰۰) رهبر مسلمانان درباره‌ی این گروه طبق مصلحت اسلام و مسلمانان یکی از سه حکم ذیل را اجرا می‌کند؛ یا منت گذاشته و آنان را آزاد می‌کند و یا فدیهِ و سرانه می‌گیرد و رهایشان می‌سازد و یا به‌عنوان کنیز و غلام آنان را نگه می‌دارد؛ اما گروه دوم که مردان جنگاور و پیکارگر هستند، حکم آن‌ها در بین عموم فقهای شیعه این است که کسی که در حین پیکار و در وقتی که جنگ دایر و برپاست اسیر شد، باید به فرمان رهبر مسلمانان کشته شود ولی اگر زمانی که جنگ به پایان رسید به اسارت درآمد، دیگر رهبر مسلمین حق کشتن او را ندارد بلکه مخیر است بین سه امر؛ یا بر ایشان منت گذاشته و رها سازد یا فدیهِ گرفته و آزاد کند و یا بنده‌ی مسلمانان قرار دهد و اگر بعد از دستگیر شدن مسلمان شوند، حکم مذکور از آن‌ها ساقط می‌شود. (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۳۱۸؛ علامه حلی، ۱۳۷۲ ق: ۵۲، شهید اول، ۱۴۰۳: ۴۰۰؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۳۰۲) بدین ترتیب اسلام با طلوع خویش، رسم دوران جاهلیت مبنی بر قتل اسرا را متوقف کرد. (عدنان، ۲۰۱۰ م: ۱۸۸)

## ۲-۴. به بردگی گرفتن اسیر جنگی

به گواهی تاریخ، برده‌داری پدیده‌ای با سابقه در جوامع مختلف بشری است، چندان که می‌توان گفت تاریخ کم‌تر ملت و قومی خالی از این پدیده بوده است. در این میان یکی از راه‌های اصلی برده‌سازی، گرفتن اسیر در جنگ و تبدیل آن به برده بوده است. ممنوعیت برده‌داری و

تجارت برده در همه‌ی اشکال آن، امری جدید پس از نهضت حقوق بشر می‌باشد. این ممنوعیت در ماده‌ی ۴ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، ماده‌ی ۴ پروتکل دوم الحاقی، اصل ۹۴ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بشردوستانه و اساسنامه‌ی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی بیان گردیده است. (امامی و شوپای جویباری، ۱۳۹۵: ۱۶۴)

در تعالیم اسلامی احکام بردگی (با توجه به رواج برده‌داری در جامعه‌ی صدر اسلام و نیاز به وضع مقررات برای آن) بخش قابل توجهی از منابع فقهی را به خود اختصاص داده است. در این منابع، غالب احکام یادشده ذیل عناوین مرتبط با آزادسازی برده مانند عتق، تدبیر، مکاتبه و استیلا آمده و بقیه به تناسب موضوع، در ضمن دیگر کتب و ابواب فقهی درج گردیده است. این مهم گویای این است که موضع احکام دین و فقه به سمت وسوی آزادسازی بردگان است و نه برده‌گیری و برده‌داری؛ چراکه باب فقهی حاوی مسائل مرتبط به بردگان در منابع فقهی، به نام «کتاب العتق؛ کتاب آزادی برده است نه کتاب الرق؛ کتاب برده‌گیری». (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۰۸)

با این وجود اسلام از آغاز برده‌داری را لغو نکرد. شاید این مسأله ریشه در آن داشت که آن زمان نظام برده‌داری در سراسر جهان به شکلی گسترده رایج بود و بخش عمده‌ی فعالیت‌های اجتماعی توسط بردگان انجام می‌گرفت. به همین دلیل شارع مقدس نمی‌خواست با الغاء فوری این اصل، باعث ایجاد نابسامانی‌های اجتماعی شود. همچنین با توجه به تعداد زیاد بردگان، آزادی عمومی ایشان می‌توانست خطر بزرگی برای آن جامعه و حتی خود بردگان به همراه داشته باشد و آن خطر عبارت از وجود یک جمعیت بزرگ بیکار و بی‌خانمان در جامعه بود. بنابراین بهترین راه آزادسازی بردگان آن بود که ایشان با یک برنامه‌ی دقیق و حساب‌شده به تدریج آزاد و جذب جامعه شوند تا هم برای آنان و هم برای جامعه خطری به وجود نیاید. (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۱۶۰-۱۵۹؛ موسوی و فامیل زوار جلالی، ۱۳۹۵: ۷۷۸)

از همین رهگذر، برخی از عالمان امامیه بر این باورند که اگر شخصی بعد از پایان جنگ به اسارت گرفته شود، امام مسلمین می‌تواند یکی از سه اقدام را در حق وی انجام دهد: یا او را بدون قید و شرط آزاد سازد، یا او را در ازای گرفتن فدیة آزاد نماید و یا وی را برده نماید و در هر

۲- ماده‌ی ۴ این اعلامیه بیان می‌دارد: «هیچ احدی نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشته شود. بردگی و دادوستد بردگان از هر نوع و به هر شکلی باید بازداشته شده و ممنوع شود».

صورت قتل ایشان جایز نیست. (سیوری حلی، ۱۳۷۳ ش: ۳۶۵؛ موسوی و فامیل زوار جلالی، ۱۳۹۵: ۷۷۴) البته به نظر می‌آید برده ساختن اسیر یک دستور الزامی نیست، بلکه در صورتی است که رهبر مسلمین در وضعیت خاصی آن را ضروری بداند و شاید به همین منظور در متن آیه‌ی ۴ سوره‌ی محمد (ص) به صراحت به استرقاق و برده گرفتن اسیر جنگی اشاره نشده است.<sup>۱</sup> در پایان این قسمت باید توجه داشته باشیم که با توجه به متغی شدن اقتضانات برده‌داری در صدر اسلام، هم‌اکنون این مسأله به کلی از احکام اسلامی زدوده شده است. تا آن جا که ممنوعیت برده‌داری به‌طور صریح در ماده‌ی ۱۱ اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی نیز ذکر گردیده است. در بند (الف) از این ماده چنین آمده است: «انسان آزاد متولد می‌شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی.»

### نتیجه‌گیری

یکی از موضوعات مهمی که در سال‌های اخیر موجب دل‌نگرانی جامعه‌ی بین‌المللی گردیده، مسأله‌ی حقوق اسیران جنگی می‌باشد. هدف از توجه خاص به این دسته از قربانیان جنگ این است که رفتار با اسیران باید انسانی باشد و در مقابل ستیزه‌جویی‌هایی که ممکن است نسبت به آن‌ها روا گردد، از آنان حمایت گردد. از همین رهگذر و با توجه به این‌که در پرتوی حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی، افراد بشری ذی‌حق شناخته می‌شوند و می‌بایست حقوق و منافع ایشان حتی در فضای ضد ارزشی همچون جنگ مورد حمایت قرار گیرد، مجامع حقوقی بین‌المللی، از طریق تمهید و تسجیل کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹، گامی مهم در جهت حمایت از اسیران جنگی برداشته‌اند. در این میان بسیاری از مبانی حقوق بشردوستانه که در عصر حاضر مورد تأکید نهادها و اسناد بین‌المللی قرار گرفته است، در قوانین فقهی اسلام و از جمله در متون شیعی چه به‌صورت عام و چه به‌صورت خاص مورد توجه بوده است. از آن جمله حمایت از افراد نظامی یا غیرنظامی

۱- لازم به ذکر است برخی معتقدند از مفهوم «فَسُدُّوا أَلْوَتَاقَ» در آیه‌ی ۴ سوره‌ی محمد (ص) که می‌گوید من و فدا پس از پایان جنگ است، استرقاق فهمیده می‌شود. (ماوردی، ۱۴۱۴: ۴۵۶-۴۵۵) توضیح آن که آیه می‌فرماید: اسیر نخست در دست شما عبد می‌شود، پس از آن، یا من است و یا فدا. امام باقر (ع) در این باره فرموده است: «فَأَمَّا مَنْ بَعْدَ بَعْدِ يَعْنِي بَعْدَ السَّبِي مِنْهُمْ»، یعنی بعد از اسیر شدن ایشان. شاید فدیة گرفتن به نوعی فرع بر برده گرفتن اسیر باشد، چون سبی به معنای بنده آمده است. (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۴ ق: ۳۴۰)



در مخاصمات مسلحانه از بنیادهای اساسی و ثابت مذهب امامیه است که این امر با مفهوم حقوق بشردوستانه‌ی اسلامی نیز دارای هماهنگی تام می‌باشد. آنچه بدیهی می‌نماید این است که در چنین شرایطی، قواعد و مقررات مربوط به رفتار با اسیران جنگی، در میراث تمدنی شیعه، کانون توجه بوده است. چندان‌که می‌توان گفت از آنجا که رعایت حقوق اسیران در جنگ همواره در آیات، روایات و سیره‌ی پیامبر (ص) و ائمه (ع) مورد تأکید قرار گرفته است، فقها و اندیشمندان امامیه کوشیده‌اند تا مبانی و اصول آن را از این آموزه‌ها و رفتارها استنتاج نمایند.

بررسی توأمان حقوق اسرای جنگی در حقوق بین‌الملل و فقه امامیه نشان از این دارد که هر دو نظام حقوقی، در رابطه با مفهوم حالتی که از آن تعبیر به مخاصمه‌ی مسلحانه یا جنگ می‌شود و نیز شرایطی که لازم است تا به کسی اسیر جنگی اطلاق گردد، با یکدیگر مشابهت دارند. در ارتباط با حقوق اسیران جنگی نیز به‌رغم وجود تفاوت‌هایی در برخی از جهات مانند نحوه‌ی پایان اسارت و امکان به بردگی گرفتن اسرای جنگی، می‌توان چنین گفت که کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به آن، با قواعد مذهب امامیه دارای همسویی بالایی می‌باشند. تا آن جا که اصولی نظیر اصل مصونیت و اصل رفتار انسانی که به منظور هدایت و کنترل نحوه‌ی رفتار با اسیران جنگی شکل گرفته است در هر دو نظام حقوقی پذیرفته شده و مبنای عمل قرار گرفته‌اند.

## منابع

- قرآن کریم.  
نهج البلاغه.
- ابراهیمی، محمد (۱۳۷۷). اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۲. تهران: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- احمدی میانجی، علی (۱۳۷۸). الاسیر فی الاسلام، تهران: انتشارات دادگستر.
- امامی، مسعود؛ شوپای جوئیاری، رمضانعلی (۱۳۹۵). دانشنامه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: انتشارات میزان.
- بیگ زاده، ابراهیم؛ میرزاده، منا (۱۳۹۴). مقایسه شدت جرم و مجازات جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی، مطالعات حقوقی، ۱۸ (۷۱)، ۷۳-۴۳.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۶). حقوق جزای بین‌الملل، تهران: انتشارات جنگل.
- جمعیت هلال احمر ج.ا. (۱۳۶۹). قراردادهای چهارگانه ژنو، تهران: انتشارات هلال احمر.
- حجازی، محمدعلی (۱۳۹۴). حقوق اسیران جنگی، تهران: انتشارات میزان.
- خلیل جر و دیگران (۱۳۸۰). فرهنگ لاروس، ج ۱، ترجمه: سید حمید طبیان. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- روسو، شارل (۱۳۶۹). حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه: سید علی هنجی. تهران: انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- زرشگی، محمد (۱۴۰۱). حقوق اسیران جنگی در رویکرد پیامبر اکرم (ص): از نظر تا عمل با تاکید بر موازین حقوق بشر دوستانه در اسلام، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۱ (۳)، ۷-۲۹.
- ستایش پور، محمد؛ احمدی، الناز (۱۴۰۰). حق بر بهداشت از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰ (۲)، ۱۰۱-۱۱۷.
- ستایش پور، محمد؛ هاشمی، رضوانه‌السادات (۱۴۰۱). شهادت دکتر محسن فخری‌زاده از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر: حق حیات، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۱ (۴)، ۷-۲۳.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۶). حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: انتشارات گنج دانش.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵). فقه سیاسی، ج ۱. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فضائلی، مصطفی (۱۴۰۰). اصول حاکم بر رفتار با قربانیان مخاصمات مسلحانه از نگاه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ با تأکید بر وضعیت زندانیان جنگی و بازداشت شدگان، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۶ (۱)، ۱۰۷-۱۳۶.

- فلک، دیتر (۱۳۹۱). حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ترجمه: سید قاسم زمانی، نادر ساعد. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قائدان، اصغر (۱۳۹۲). مقایسه و پیشینه قوانین موضوعه جنگ معاصر در سیره و گفتار امام علی (ع)، مطالعات راهبردی بسیج، ۱۶ (۵۸)، ۱۱۵-۱۴۲.
- قائدان، اصغر؛ شریفی طرازکوهی، حسین؛ باقری، سمیه (۱۳۹۳). قواعد حقوق جنگ در اندیشه‌ی فقهای شیعه و مقایسه‌ی آن با قوانین حقوق بشردوستانه در عصر حاضر، فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴۷ (۲)، ۲۷۷-۳۰۲.
- کتابی، امیرعلی؛ ایزدی اولو، عظیم (۱۴۰۰). حقوق جهانی بشر در اسلام و مقایسه و تطبیق آن با حقوق بشر غرب از دیدگاه علامه جعفری، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰ (۴)، ۳۳-۵۳.
- کوشا، هستی؛ سلیمان‌زاده، احمدرضا؛ رستم‌زاد، حسین (۱۴۰۰). بررسی اقدامات خشونت‌بار در قضیه لود (۲۰۲۱) در سرزمین‌های اشغالی از دیدگاه حقوق بشر، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰ (۲)، ۲۰۳-۲۲۴.
- کیتی چایساری، کریانگ (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه: حسین آقایی جنت‌مکان. تهران: انتشارات جنگل.
- ماری شیمل، آنه (۱۳۸۵). بازتاب اسلام، ترجمه: بهاء‌الدین بازرگانی گیلانی. تهران: انتشارات شور.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۵). تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مفهوم اسلامی آن، تحقیقات حقوقی، ۱۸ (۱)، ۲۰۹-۱۴۹.
- مسائلی، محمود؛ ارفعی، عالیه (۱۳۷۱). جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار، ج ۲۰. قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). جهاد، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۵). تفسیر نمونه، ج ۲. تهران: دارالکتب اسلامیه.
- ملک محمدی نوری، علیرضا (۱۳۷۲). مفاهیم تعلیق مخاصمات و حالت نه جنگ و نه صلح در حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- منتظری، حسین‌علی (۱۳۸۵). اسلام دین فطرت. تهران: انتشارات سایه.

- موسوی، سید فضل اله؛ فامیل زوار جلالی، امیر (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی حقوق بشردوستانه‌ی اسلامی با کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو؛ با تأکید بر رفتار با اسرای جنگی، مطالعات تطبیقی حقوقی، ۷(۲)، ۷۵۳-۷۸۳.
- میر شریفی، سید علی (۱۳۹۵). سرنوشت اسیر در اسلام (بررسی تاریخ-فقهی جنگ، اسارت، بردگی). تهران: انتشارات سمت.
- ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶). المذهب، ج ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۴ ق). النهایة فی غریب الحدیث، ج ۲. تحقیق: طاهر احمد زاوی و محمود محمد طناحی. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن، محقق: داوودی، صفوان عدنان. بیروت: دارالشامیه.
- سیوری حلّی، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳). کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱. مصحح: محمدباقر بهبودی. تهران: انتشارات مرتضوی.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۰۳). اللمعه الدمشقیه، ج ۲. تصحیح: سید محمد کلانتر. بیروت: دار احیا التراث العربی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۷. تهران: نشر مکتب مرتضویه طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۰). تفسیر المیزان، ج ۳۱. ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی. تهران: انتشارات محمد
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش). مجمع البیان فی تفسیر قرآن، ج ۳. تهران: نشر ناصر خسرو. عدنان، السید حسین (۲۰۱۰ م). العلاقات الدولیه فی الاسلام. بیروت: مجد.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۷۲ ق). تبصره المتعلمین، تصحیح: آقا میرزا عبدالحسین حائری. تهران: انتشارات مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فضل الله، سید محمدحسن (۱۴۱۸). کتاب الجهاد، بیروت: دارالملاک.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۲۵). الشافی فی العقائد و الاخلاق و الاحکام، ج ۲. تهران: دار نشر اللوح المحفوظ.

- كاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالكي (١٤٢٢). كشف الغطاء عن مهمات الشريعة الغراء، ج ٤. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم.
- ماوردى، محمد بن حبيب (١٤١٤). الحاوى الكبير، ج ١٠. بيروت: دارالفكر.
- محقق حلى، جعفر بن حسن (١٤٠٣). شرايع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام، ج ٢. تحقيق و تعليق: عبدالحسين محمدعلى. بيروت: منشورات دارالاصوا.
- نجفى، محمدحسن (١٤٠٤). جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، ج ٢١. بيروت: دار احيا التراث العربى.
- G. Stewart, James (2003). Towards a Single Definition of Armed Conflict in International Humanitarian Law: A Critique of Internationalized Armed Conflict. *International Review of the Red Cross*, 850, 313-350.
- Jacques, J (2017). Where Nothing Happened: The Experience of War Captivity and Levinas's Concept of the 'There Is'. *Social and Legal Studies*, 2, 1-47.
- Lauterpacht, Elihu (1965). *Oppenheim International Law, war and Neutrality*, Vol.2. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Marie Henkaerts, Jean; Beck, Louis Daswald (2005). *Customary International Humanitrain Law*, Vol. 1. New York: Cambridge University Press.
- Melzer, Nils, (Coordinated by Etienne Kuster) (2016). *International Humanitarian Law, A Comprehensive Introduction*. Switzerland: ICRC.
- R. Baxter (1960). *The Definition of War*. Vancouver: University of British Columbia.
- Ursano, R.J; Rundell, M.D (1995). *The Prisoner of War*. *War Psychiatry*, 17, 431-455.